

عنوان مقاله:

جایگاه مفهوم و نظریه تعادل در اقتصاد اسلامی (مقایسه اجمالی کاربرد این مفهوم در اقتصاد متعارف و نظر شهید صدر در کتاب اقتصادنا)

محل انتشار:

دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، دوره 18، شماره 36 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

حسین بحرینی یزدی - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمدحسین کرمی اسفه - استادیار

خلاصه مقاله:

مفهوم و نظریه تعادل در اقتصاد متعارف از جمله نقاط اصلی نظریه اقتصادی است. ارتباط مفهوم تعادل با موضوع هماهنگی رفتار اقتصادی میان افراد در نظام بازار برای تحصیل نفع جمعی بدون دخالت مستقیم دولت‌ها یکی از نکات اصلی برای درک نظریه تعادلی است. در بسیاری از آثار اقتصاد اسلامی بدون آنکه از مبنای طرح این مفهوم سخنی به میان آمده باشد، به استخراج تعادل‌های پولی و حقیقی در بازارهای مختلف پرداخته شده و در واقع با نگاهی ارزشی به آن نگریسته شده است. در این مقاله پس از طرح مفهوم تعادل در اقتصاد متعارف، به صورت مختصر به کاربرد آن در آثار اقتصاد اسلامی پرداخته می‌شود. ایده مقاله حاضر این است که تا وقتی نحوه تعامل مردم با یکدیگر و نظریه دخالت دولت در اقتصاد اسلامی روشن نباشد، سخن از تعادل به معنای متعارف، نوعی پیش‌فرض نابجاست. در کتاب اقتصادنا به دلیل ارائه تصویر دیگری از دخالت دولت و مردم در اقتصاد، می‌توان فاصله‌گذاری‌های مهمی را با دیدگاه تعادلی یافت و از رویکرد جایگزین آن اثری دید. این مقاله به مرور و مقایسه متون و اسناد کتابخانه‌ای پرداخته است.

کلمات کلیدی:

تعادل، اقتصاد اسلامی، شهید سیدمحمدباقر صدر، نفع فردی، نفع جمعی، هماهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1531245>

